

## تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم\*

دکتر شهره شاهسوندی

دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد

E-mail: Shohreh@ferdowsi.um.ac.ir

### چکیده

صورت‌های مختلف ساختارهای دستوری می‌توانند به یک معنا باشند. برگردان این صورت‌های مختلف معمولاً برای مترجم مشکل ساز نیست. زیرا وی با آگاهی از ترتیب متفاوت قرار گرفتن اجزاء جمله در زبانهای مختلف، به معادل یابی در زبان مقصد می‌پردازد. اما باید توجه داشت که ترتیب و نظم به سطح کلمه و عبارت خلاصه نمی‌شود. این نظم می‌تواند ترتیب قرار گرفتن جملات ناقص در یک جمله اصلی و جملات در یک بند را نیز در بر بگیرد. بررسیها بیانگر این است که تفاوت میان انواع نظم در زبان یعنی نظم زبانی<sup>۱</sup>، نظم زمانی<sup>۲</sup> و نظم منطقی<sup>۳</sup> می‌تواند بر روی فرآیند درک ما از متون، تأثیر بگذارد. این مقاله در صدد است تا نشان دهد چنانچه مترجم قرآن، بدون توجه به نظم زمانی و منطقی، تنها توجه خود را به نظم زبانی زبان مبدأ یعنی عربی معطوف سازد ممکن است نتواند مفهوم متن را به درستی در ترجمه خویش منعکس سازد.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، ترجمه، تفسیر، نظم زمانی، نظم زبانی، تقدم، تأخر.

---

\* - تاریخ وصول: ۸۲/۲/۱۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۲/۷/۳۰.

۱. Linguistic order.
۲. Chronological order.
۳. Logical order.

## مقدمه

نظم زبانی عبارت است از ترتیب قرار گرفتن عناصر در عبارات، عبارات در جملات و جملات در بندها. اما نظم زمانی نظم است که ما آن را تجربه کرده و توالی وقایع را بر اساس آن درک می‌کنیم. زمانی که این دو نظم بر یکدیگر منطبق باشند پیام متن به راحتی درک می‌شود. موارد متعددی نیز وجود دارد که این دو نظم بر یکدیگر منطبق نیستند اما با استفاده از ساز و کارهای خاص زبانی که بیانگر نظم منطقی است، خواننده می‌تواند به راحتی به معنای متن دست یابد. برای مثال در زبان فارسی می‌توان جملات زیر را به جای یکدیگر به کار برد بی‌آن که تفاوت معنایی خاصی ایجاد شود:

- چون اذان گفته بودند، روزه‌ام را باز کردم.

- روزه‌ام را باز کردم چون اذان گفته بودند.

منطقاً گفتن اذان قبل از باز کردن روزه صورت گرفته است اما در جمله دوم گفتن اذان پس از باز کردن روزه ذکر شده است. این مثال بیانگر این است که ساختارهای دستوری علی‌رغم ترتیب متفاوت قرار گرفتن اجزاء آنها می‌توانند از یک نظم منطقی پیروی کنند. بدین ترتیب این ساختارها می‌توانند یک معنای بنیادین را ابراز نمایند.

## نظم از دیدگاه زبان شناسان غربی

چینش جمله‌ها در متون توصیفی از نظر ون دیک<sup>۱</sup> (۱۰۶ - ۱۰۸) قوانین و محدودیتهای خاص خود را دارد. خلاصه نظرات وی به شرح زیر است:

## مثال

همیشه دیر می‌آید. امشب هم به موقع  
نخواهد آمد.

## ترتیب چینش جمله‌ها

الف: کل - جزء

۱. Van Dijk.

ب: تمام چیزی - بخش یا جزئی از آن می‌توانست او را ببیند. می‌توانست  
شانه‌های ستر او را ببیند.

ج: مجموعه - زیر مجموعه - اجزاء افراد زیادی متقاضی آن شغل بودند.  
بعضی را برای دیدار با کارکنان آن اداره  
دعوت کرده بودند.

د: شامل - مشمول لیوان بزرگی روی میز قرار داشت. در آن  
مایع صورتی رنگی بود.

ه: بزرگ - کوچک او از تپه‌ای بالا رفت که پوشیده از  
درختان کاج بود. در زیر درختان  
بیشه‌های انبوهی وجود داشت.

و: خارج - داخل به قهوه‌خانه‌ای متروک رسید. چراغهای  
آن از قبل روشن بود.

ز: مالک - مملوک لباسی مندرس پوشیده بود. پاجه‌های  
شلوارش سوراخهای بزرگی داشت.

در نظم موجود در این جملات نه تنها معنا، بلکه اصول حاکم بر ادراک بشر نیز  
دخیل است. ما اغلب کلیت یک شیء را قبل از اجزاء آن و یا اجسام بزرگتر را قبل از  
اجسام کوچکتری که در حول و حوش آن قرار دارد درک می‌کنیم. بنا بر نظر ون دیک  
(۱۰۷) باید توجه داشت که در شرایط خاصی این نظم ممکن است در فرآیند گفتمان  
دستخوش تغییراتی گردد. وی دلایل چندی را برای تغییرها ذکر می‌کند:

الف. متن توضیحی: زمانی که حقیقتی معین را با بیان کلی‌تری توضیح می‌دهیم.  
دوباره دیر آمد. هیچ وقت سر موقع نمی‌آید.

ب. نظم شناختی: موارد متعددی وجود دارد که در آن امر کلی و یا مالک بعداً  
شناخته می‌شود.

دیروز ساعتی طلایی پیدا کردم. مشخص شد که متعلق به جان است.  
 ج. تمرکز بر روی چیزی: ممکن است بر روی شیء مشخصی به طور خودآگاه  
 متمرکز شویم زیرا آن شیء دارای ویژگی خاصی است و یا به دلیلی دنبال آن هستیم.  
 پس از چندین روز جست و جو جسد مقتول پیدا شد. جسد را در زیر بوته‌ها  
 در پایین تپه پنهان کرده بودند.

باید توجه داشت که نکته‌های دیگری نیز در مورد نظم و ترتیب ساختارهای زبانی  
 وجود دارد که در محدوده منظور شناسی<sup>۱</sup> قرار می‌گیرند. استارن<sup>۲</sup> (ص ۵۸) معتقد است:  
 «دلالت‌های زمانی یک متن را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن کلام قبل یا بعد آنها  
 تفسیر کرد و وجود متن برای رسیدن به برداشتی درست، امری ضروری است. جمع  
 میان معنای صرفاً زبانی با دیگر داده‌ها (آنچه از موقعیت ارتباطی و یا دانش کلی ما در  
 مورد جهان خارج به دست می‌آید) سازمان‌دهی متن (را برای گوینده) و بازسازی (آن  
 را برای مخاطب و محقق) ممکن می‌سازد ...

داده‌ها بر اساس هدف از برقراری ارتباط به شیوه خاصی سازمان‌دهی می‌شوند.  
 سازمان‌دهی داده‌ها در متون نقلی و متون توصیفی کاملاً با یکدیگر متفاوت است. در  
 متون نقلی، ما رویدادها را بر اساس زمان وقوعشان یا ترتیب زمانی آنها به خاطر  
 می‌آوریم».

از نظر وی ما رویدادها را بر اساس «قاعده ذکر حوادث بر طبق نظم طبیعی آنها»<sup>۳</sup>  
 بیان می‌کنیم. اسمیت<sup>۴</sup> (۱۹) نیز در رویکرد زبانی خود به مقوله نظم، بر روی نقش

---

۱. Pragmatics.

۲. Starren.

۳. The Principle of Natural order.

۴. Smithe.

تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم.  
۱۳۱

عوامل زمانی در درک متون نقلی تأکید می‌کند. اما ذکر این نکته ضروری است که بر اساس نوع رابطه میان گوینده / نویسنده / شنونده / خواننده، زمان، مکان، پیش‌فرضهای ذهنی، دانش ما از دنیای خارج و بسیاری عوامل دیگر ممکن است تغییراتی در ترتیب قرار گرفتن ساختارهای زبانی به وجود آید. لولت<sup>۱</sup> (۹۱، به نقل از براون و یول<sup>۲</sup>، ۱۲۵) دو جمله را مثال می‌زند که در آنها اجزاء تشکیل دهنده جمله‌ها یکی است. از نظر وی در این جمله‌ها، البته اگر نشانه‌ای دیگر وجود نداشته باشد که خلاف آن را اثبات کند، رویدادها یکی پس از دیگری اتفاق افتاده است:

۱. او ازدواج کرد و سپس باردار شد.

۲. او باردار شد و سپس ازدواج کرد.

لذا خواننده / شنونده می‌باید بر اساس ترتیب اجزاء این جمله‌ها به معنای تلویحی<sup>۳</sup> آنها دست یابد. البته تحقیقات روان‌شناسی نیز این نکته را تأیید می‌کند. دوساک<sup>۴</sup> (به نقل از فیلاتوا و هووی<sup>۵</sup>، ۸۸) از آزمودنی‌های خود می‌خواهد تا جملات در هم ریخته متنی را مرتب کنند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در جملاتی که فاقد هر گونه نشانه‌ی بوده‌اند، خوانندگان در فرآیند تعامل خود با متن به بازسازی حوادث بر اساس زمان وقوع آنها و یا به عبارت دیگر نظم زمانی آنها پرداخته‌اند. بیکن و کالو<sup>۶</sup> (۲۲۵) بر اهمیت گریز به گذشته<sup>۷</sup> و گریز به آینده<sup>۸</sup> در متون نقلی

---

۱. Levelt.

۲. Brown and Yule.

۳. Implicature.

۴. Dusak.

۵. Filatova and Hovy.

۶. Beekman and Callaw.

۷. Flashback.

۸. Flashforward.

تأکید می‌کنند. در تکنیک ادبی گریز به گذشته، رویدادهای که قبلاً اتفاق افتاده است در کنار رویدادهایی که در حال ذکر آنها هستیم آورده می‌شود و همچنین در گریز به آینده، رویدادی که بعداً اتفاق می‌افتد در کنار رویدادهایی که در حال بیان آنها هستیم ذکر می‌شود. از دیدگاه آنان با استفاده از گریز به گذشته و گریز به آینده نمی‌توان ترتیب و نظم زبانی رویدادها را به گونه‌ای جا به جا کرد تا بر نظم زمانی آنها منطبق شود. بنابراین باید به نشانه‌های زبانی که بیانگر زمان مورد نظر در زبان مقصد است توجه لازم را مبذول داشت.

### نظم از دیدگاه قرآن پژوهان مسلمان

قرآن پژوهان مسلمان مقوله نظم زبانی و نظم زمانی را بسیار بیشتر از زبان شناسان غربی تحت عنوان تقدیم و تأخیر مورد توجه قرار دادند. از نظر شریف مرتضی از علمای شیعه در قرن چهارم هجری مقوله تقدیم و تأخیر در شعر و کلام عرب بسیار آمده است (۴/۱). وی در *غرر الفوائد* و *دُرر القلائد* مشهور به *امالی* از این ساز و کار زبان عربی در تفسیر برخی از آیات قرآن بهره جسته است که در جای خود به ذکر آنها می‌پردازیم. طبرسی و فخر رازی از جمله دیگر مفسران قرآن هستند که این مقوله را مدّ نظر داشته‌اند. سیوطی (*الاتقان فی علوم القرآن*، ۳-۴۷/۴ - ۳۸) با دسته‌بندی انواع تقدم و تأخر دو کاربرد برای آنها در قرآن در نظر می‌گیرد:

\* آیاتی که درک معنای آنها ظاهراً دشوار است اما زمانی که مقوله تقدیم و تأخیر در آنها بررسی شود معنای آنها روشن و واضح می‌گردد.

\* آیاتی که درک معنای آنها به حسب ظاهر دشوار نیست اما دلایلی وجود دارد که اجزایی از این آیات بر اجزاء دیگر مقدم و یا مؤخر می‌شود.

از جمله دلایلی که سیوطی برای کاربرد نوع دوم تقدم و تأخر مطرح می‌کند می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم. ۱۳۳

۱. تبرک: نظیر مقدم داشتن خداوند در امور پر اهمیت

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. (آل عمران/۱۸)

۲. تعظیم:

وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ. (التوبه/۶۲)

۳. تشریف:

۱ - ۳. مقدم داشتن مذکر بر مؤنث: إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ (الأحزاب/۳۵)  
۲ - ۳. آزاد بر بنده: الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ (البقره/۱۷۸)  
۳ - ۳. زنده بر مرده: يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ (الأنعام/۹۵)

۴. تناسب متقدم با سیاق کلام:

وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (الأنبياء/۹۱) این آیه چون در مورد مادر بوده وی را بر فرزند مقدم داشته است. اما در آیه دیگری که این تناسب وجود ندارد پسر قبل از مادر ذکر شده است. وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً (المؤمنون/۵۰)

۵ - تشویق، سفارش یا تأکید بیشتر:

مانند مقدم داشتن وصیت بر قرض، حال آن که قرض شرعاً بر وصیت مقدم است. مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِي يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ (النساء/۱۱) این تقدم بدان منظور صورت گرفته است تا مبادا نسبت به امر وصیت سستی شود.

۶ - سبقت داشتن:

۱ - ۶. از لحاظ وجود یافتن در زمان جلوتر: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا كُفَرُوا قَبْلَ بَنَاتِكِ

(الأحزاب/۵۹) فرزندان از لحاظ منطقی بعد از پدر و مادر به وجود می آیند.

۶ - ۲. از نظر ترتیب نزول: صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى (الأعلى/۱۹)

۶ - ۳. به اعتبار وجوب و تکلیف: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا (الحج/۷۷)

از آن جا که رکوع در نماز قبل از سجده قرار دارد و واجب است این ترتیب در نماز حفظ شود، در آیه نیز این ترتیب رعایت شده است.

۶ - ۴. ذاتاً جلوتر است: مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ (النساء/۳) در نظم اعداد، اعداد

کوچکتر قبل از اعداد بزرگتر قرار دارند.

۷. سببیت:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (البقره/۲۲۲) چون توبه سبب طهارت و

پاکی است، التَّوَّابِينَ قبل از الْمُتَطَهِّرِينَ آمده است.

۸. بسیاری افراد:

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَ مِنْكُمْ مُؤْمِنٌ (التغابن/۲) تعداد کفار از

مؤمنین بیشتر است.

۹. ترقی از پایین تر به بالاتر:

أَلْهَمَّ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْتَطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ

يَسْمَعُونَ بِهَا (الأعراف/۱۹۵)

۱۰. تنزل از بالاتر به پایین تر:

لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَ لَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا (الكهف/۴۹)

البته دلایل سیوطی در تقدم و تأخر اجزاء این آیات و چگونگی آن در جای خود

به بررسی و تأمل نیاز دارد. اما آنچه در تقسیم بندی دو گانه وی از اهمیت به سزایی در



تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم. ۱۳۵

ترجمه قرآن برخوردار است آیاتی است که معنای آنها با در نظر گرفتن مقوله تقدم و تأخر روشن می‌گردد. وی آیاتی را به عنوان نمونه ذکر می‌کند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ (الفرقان/۴۳) در اصل "هواه الهه" بوده است چون کسی که خدایش را مورد توجه قرار دهد مذموم نیست، پس مفعول دوم را به منظور عنایت به آن مقدم داشت.

- وَ لَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (یوسف/۲۴) در اصل "لولا ان رأی برهان ربّه لهم بها" بوده و بنابراین تصور هم یوسف به زلیخا نادرست و متنفی است.

- وَ امْرَأَتُهُ فَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ (هود/۷۱) در اصل "فبشّرناها فضحكت" بوده است. بدین ترتیب اول بشارت فرزند به همسر ابراهیم علیه السلام داده شده است و بعد از آن او خوشحال شده و خندیده است.

اهمیت نظرات قرآن پژوهان در مورد تقدم و تأخر در درک آیات قرآنی زمانی آشکار می‌شود که ترجمه‌ها و تفاسیر قرآنی بررسی گردد. برای مثال از آیه ۷۱ سوره هود برداشتهای متفاوتی اظهار شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

**محدث دهلوی:** و زن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید پس مژده دادیمش به تولد

اسحاق ... در این ترجمه ارتباط خندیدن با بخشهای قبل و بعد آیه روشن نیست.

**فیض الاسلام:** و زن او (ساره) دختر عمو یا دختر خاله‌اش در پشت پرده برای

خدمت و پذیرایی میهمانان) ایستاده (سخن فرشتگان را می‌شنید) و (از روی سرور و شادی و برای این که ابراهیم از ترس رهایی یافت) خندید. پس ما او (ساره) را (به وسیله فرشتگان به ولادت و زاییدن) اسحاق و پشت سر اسحاق به یعقوب مژده دادیم. در این ترجمه دلیلی برای خنده ساره ذکر شده است اما نقش «پس» در برگردان آیه مشخص نیست و به نظر می‌رسد ارتباط این جمله با جملات قبل قطع شده باشد.

**الهی قمشه‌ای:** (در آن حال زن ابراهیم ساره ایستاده بود که از فرط شوق متبسم (یا حائض) گردید پس ما آن زن را به فرزندی به نام اسحاق و سپس یعقوب بشارت دادیم.

**فولادوند:** و زن او ایستاده بود. خندید. پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم.

**خرمشاهی:** و همسر و (ابراهیم) ایستاده بود و از (احساس بشارت) خندید، آن گاه او را به (بار گرفتن و زادن اسحاق) و پس از اسحاق به یعقوب بشارت دادیم. تصور این که احساس بشارت همسر ابراهیم چگونه بوده که او را به خندیدن واداشته و بعد آن بشارت بارور شدن و زاییدن را دریافت نموده، غیر ممکن می‌نماید. با بررسی ترجمه‌ها و تفاسیر به سه گونه برداشت درباره آیه مزبور بر می‌خوریم. اول برداشتی که خندیدن ساره را ناشی از رفع ترس می‌داند، دوم برداشتی که آن را به خاطر بشارت به بارور شدن می‌داند، و سوم برداشتی که کلمه «ضحکت» را از ماده «ضحک» - به فتح ضاد - به معنای حائض گردیدن دانسته است. اما باید اذعان داشت در هر سه صورت این برداشتها نمی‌توان انسجامی میان اجزاء آیات از لحاظ توالی زمانی برقرار ساخت مگر آن که در این آیه قائل به تقدم و تأخر شویم. درستی این نظر با آیات بعدی این سوره تأیید می‌شود. وَ اَمْرًا قَائِمَةً فَضَحَكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِاسْحَاقَ وَ مِنْ وَّرَآءِ اسْحَاقَ يَعْقُوبَ قَالَتْ يَا وَيْلَتَا اَلَا اَلدُّ وَ اَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا اِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ قَالُوا اَتَعْجَبِينَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ رَحْمَةً اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ اِنَّهُ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ (هود/۷۱-۷۳) لذا شاید بتوان گفت ساره پس از دریافت بشارت به بچه‌دار شدن خنده‌ای از روی شگفتن و خوشحالی سر می‌دهد و چنین می‌گوید: ای وای چگونه این امر ممکن است در حالی که من زنی سالخورده‌ام و شوهرم نیز مردی پیر و فرتوت است ... مؤید شگفتی او بخش دیگر آیه، اِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ قَالُوا اَتَعْجَبِينَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ است. بدین ترتیب می‌توان چنین استدلال کرد که نظم زبانی این آیات متفاوت از

تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم.  
۱۳۷

نظم زمانی آنهاست.

ترتیب زبانی: خندیدن ساره - بشارت فرزند از سوی فرشتگان - اشهار تعجب وی.

ترتیب زمانی: بشارت فرزند از سوی فرشتگان - خندیدن ساره از سر شگفتی - اظهار تعجب وی.

قرآن پژوهان به بررسی جنبه‌های مختلف زبان قرآن که در درک و فهم کلام الهی موثر است، پرداخته‌اند. اما باید اذعان داشت آنها در صدد تبیین اصول و روش ترجمه قرآن نبوده‌اند. اگر ترجمه متون را شامل دو فرآیند درک متن در زبان اصلی - مرحله خواندن متن<sup>۱</sup> - و فرآیند برگرداندن متن به زبان مقصد - مرحله نگارش متن<sup>۲</sup> - تصور کنیم، این پرسشها مطرح می‌شود: اگر زبانی از ساز و کار تقدم و تأخر استفاده نماید (چه به عنوان پدیده‌ای طبیعی در یک زبان و چه به عنوان صنعتی ادبی) و زبان دیگر فاقد این ساز و کار باشد، وظیفه مترجم چیست؟ در چنین صورتی مترجم قرآن چه راهکاری را باید در پیش بگیرد؟ آیا برگردان متن قرآن بر اساس نظم زبانی آن و بدون در نظر گرفتن نظم زمانی و تفاوت ساختار زبانها می‌تواند مترجم را در انتقال کلام وحی به زبان دیگر و دستیابی به هدف از ترجمه قرآن که همانا آشنایی غیر عرب زبانان با مفهوم و پیام کلام الهی است، یاری نماید؟

جای بسی تأسف است که تاکنون مسلمانان توجه لازم را به روشهای ترجمه متون اسلامی به خصوص قرآن مبذول نداشته‌اند. مبلغان مسیحی با عنایت به اهمیت برگردان متون کتاب مقدس در امر تبلیغ و تجربیاتی که در راه اشاعه مسیحیت به دورترین نقاط عالم کسب کرده بودند، تلاش فراوانی در تبیین مشکلات ترجمه، تنگناها و راهکارهای

---

۱. Encoding.

۲. Decoding.

برطرف سازی آنها نموده و از مباحث نظری ترجمه شناسی و زبان شناسی به طور عملی در ترجمه متون دینی سود برده‌اند. شاید بتوان گفت، آنها در تبلیغ دین خود از مسلمانان بهتر عمل کرده‌اند. از جمله کسانی که به شیوه برگردان متون کتاب مقدس پرداخته‌اند می‌توان از بیکن و کالو نام برد. مقوله نظم زبانی و زمانی و تأثیر آنها در ترجمه کتاب مقدس نیز از جمله مواردی است که این دو مورد توجه قرار داده‌اند. آنها نمونه‌هایی از برگردانهای کتاب مقدس را ذکر می‌کنند که در نتیجه بی‌توجهی مترجم به تقدم و تأخر زمانی در ترجمه، پیش‌فرضهای<sup>۱</sup> دیگری در ذهن خوانندگان شکل می‌گیرد. برای روشن شدن موضوع دو نمونه از آنها ذکر می‌شود:

#### Mark 6:17-18

For Herod himself had sent forth and laid hold upon John, and bound him in prison for Herodias' sake, his brother Philip's wife: For he had married her. For John had said unto Herod, It is not lawful for thee to have thy brother's wife.

زیرا هیرودیس فرستاده یحیی را گرفتار نموده او را در زندان بست به خاطر هیرودیا زن برادر او فیلیپس که او را در نکاح خود در آورده بود. از آن جهت که یحیی به هیرودیس گفته بود نگاه داشتن زن برادرت بر تو روا نیست (کتاب مقدس، ص ۶۳). ترتیب زبانی این آیات عبارت است از:

۱. هیرودیس فرستاده یحیی را دستگیر و او را زندانی نمود.

۲. هیرودیس این کار را به خاطر هیرودیا انجام داد.

۳. هیرودیا همسر فیلیپس بود.

۴. هیرودیس با هیرودیا ازدواج کرد.

---

۱. Presupposition.

تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم.  
۱۳۹

۵. یحیی او را سرزنش کرد.

اما اگر حوادث بر اساس نظم زمانی ارائه شوند ترتیب قرار گرفتن جملات ۳، ۴، ۵، ۲ و ۱ خواهد شد. بیکن و کالو (ص ۲۲۳) بر این باورند، اگر در برگردان این آیه مترجم مقوله نظم زبانی و زمانی را از نظر دور بدارد در بعضی زبانها این معنای نادرست را به خوانندگان زبان مقصد القا می‌کند که یحیی روابط نامشروعی با همسر هیروдіس و یا با همسر فیلیپس داشته است. مثال دوم:

#### Acts 8: 1-2

And Saul was consenting unto his death. And at that time there was a great persecution against the which was in Jerusalem; and they were all scattered abroad throughout the regions of Judaea and Samaria, except the apostles.

And devout men carried Stephen to his burial, and made great lamentation over him. (The Holy Bible, KIV. 1976: 830)

و سولس در قتل او راضی می‌بود و در آن وقت جفای شدید بر کلیسای اورشلیم عارض گردید به حدی که همه جز رسولان به نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند \* و مردان صالح استیفان را دفن کرده برای وی ماتم عظیمی بر پا داشتند (کتاب مقدس، ص ۲۰۰).

کاملاً مشهود است که جمله اول از آیه یکم و بقیه آیه دوم به یکدیگر مربوط و در مورد شهادت استیفان است. در حالی که تنه آیه اول موضوع جدیدی را مطرح می‌کند و در مورد جفا بر کلیسای اورشلیم است. بنا به ادعای بیکن و کالو مترجمان کتاب مقدس در ترجمه به زبان مکزیکی ناگزیر به تغییر ترتیب زبانی این آیات هستند.

#### بررسی نظم زبانی و نظم زمانی در آیات قرآن

آیاتی که درک درست آنها منوط به در نظر گرفتن نظم زبانی و زمانی است در

قرآن فراوان است. به منظور نشان دادن اهمیت تقدم و تأخر در برگردان قرآن به زبانهای دیگر به ذکر چند مورد می‌پردازیم. شریف مرتضی (غرر الفوائد و درر القلائد، ۴-۲/۱) در تبیین آیه شریفه:

۱. وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (الإسراء/۱۶)

چهار احتمال را ذکر می‌کند. وجه چهارم آن حمل آیه بر تقدیم و تأخیر است که خلاصه آن چنین است: «وقتی مترفین قریه‌ای را امر به بندگی کنیم و آنان عصیان نموده و مستحق عذاب الهی گرداند، آن موقع اراده نابودی آنان را می‌کنیم.» اکنون نمونه‌هایی از ترجمه‌ها و تفسیرها از این آیه ارائه می‌شود:

**فولادوند:** و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوشگذارانانش را و می‌داریم تا در آن به انحراف (و فساد) پردازند، و در نتیجه عذاب بر آن (شهر) لازم گردد، پس آن را (یکسره) زیر و رو کنیم.

**آیتی:** چون بخواهیم قریه‌ای را هلاک کنیم خداوندان نعمتش را بیفزاییم، تا در آن تبهکاری کنند، آن گاه عذاب بر آنها واجب گردد و آن را در هم فرو کویم.

**خرمشاهی:** و چون بخواهیم شهری را نابود کنیم، ناز پروردگان آن را فرمان (و میدان) دهیم، و سرانجام در آن نافرمانی کنند و سزاوار حکم (عذاب) شوند، آن گاه به کلی نابودشان کنیم.

«امرنا» به هر معنا که باشد: «افزودن»، «فرمان و میدان دادن»، «به امارت رساندن» و ... ، عقلاً امکان ندارد که خداوند پیش از ارتکاب معصیت، اراده عذاب کند. زیرا زمانی که گناهی صورت نگرفته باشد، عقوبت و اراده آن نیز روا نیست. جالب توجه است که علاوه بر شریف مرتضی، برخی دیگر از مفسران از جمله صاحبان تفسیر **اثنی عشری**، **روض الجنان** و **روح الجنان**، و **تفسیر بلاغی** به این نکات دقت داشته و مقوله تقدم و تأخر را، در کنار احتمالات دیگر، از نظر دور نداشته‌اند.

تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم.  
۱۴۱

**تفسیر بلاغی:** و چون شهری را خواستیم که هلاک کنیم (این اهلاک ما بعد از این بود که) امر دادیم رؤسا و ثروتمندان شهر را (به ایمان و پیروی پیامبران) پس نافرمانی کردند در شهر، در نتیجه وعده عذاب بر شهر ثابت شد، پس آن شهر را از بنیاد برکنندیم برکنندنی کامل. (۶۴/۴)

شریف مرتضی برای اثبات درستی برداشت خود به شواهد دیگری از آیات قرآن یعنی آیات شریفه مائده/۶ و نساء/۱۰۲ استناد می‌کند. اکنون به بررسی آیه ششم سوره مائده می‌پردازیم:

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ.  
**آیتی:** ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به نماز برخاستید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید ...

**مکارم شیرازی:** ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید ...

**پورجوادی:** ای مؤمنان آن گاه که برای نماز قیام می‌کنید صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید ...

از نظر شریف مرتضی و آنچه سنت مسلمانان است، واجب است وضو گرفتن قبل از ایستادن به نماز صورت گیرد. لذا تقدم وضو گرفتن بر خواندن نماز می‌باید به گونه‌ای خود را در ترجمه آیه نشان دهد. در ترجمه تفسیر مجمع البیان (۶/۲۱۶) در خصوص این آیه می‌خوانیم: «در این جا مقصود این است که هرگاه اراده نماز کردید و بر طهارت نیستید لکن «اراده» را ذکر نکرده است زیرا کلام بر آن دلالت دارد.»

**فولادوند:** ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به (عزم) نماز برخیزید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید ...

۳. فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ (الأنبياء/۹۰)

**آیتی:** دعایش را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و زنش را برایش

شایسته گردانیدیم.

**فولادوند:** پس (دعای) او را اجابت نمودیم، و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته (و آماده حمل) کردیم.

**خرمشاهی:** آن گاه دعای او را اجابت کردیم، به او یحیی را بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته گردانیدیم.

**مکارم شیرازی:** ما هم دعای او را پذیرفتیم، و یحیی را به او بخشیدیم، و همسرش را (که نازا بود) برایش آماده (بارداری) کردیم.

**کاویان پور:** ما درخواست او را پذیرفتیم و یحیی را به او بخشیدیم، همسرش را که نازا بود به صلاح آوردیم.

**تفسیر آسان:** بعداً ما دعای او را به اجابت رساندیم، و حضرت یحیی را به او عطا کردیم. و همسرش را برایش اصلاح و مطیع نمودیم. (۳۴۴/۱۲)

**تفسیر ابو الفتوح رازی:** «فاستجبنا له»، ما او را اجابت کردیم. «و وهبنا یحیی»، و او را یحیی که فرزند او بود بدادیم. «و اصلحنا زوجه»، و جفت او را برای او به اصلاح باز آوردیم. یعنی پس از آن که عقیم بود و صلاحیت ولادت نداشت، او را به حال ولادت بردیم تا زاینده شد و صالح شد ولادت را، این قول بیشتر مفسران است. و بعضی دیگر گفتند: مراد آن است که، آن زن بد خوی بود، خدای تعالی او را خوش خوی کرد. (۲۸۷/۱۳)

همان گونه که مشاهده می‌شود، دو برداشت متفاوت از جمله «وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ» ارائه شده است: ۱. شایسته گرداندن و اصلاح و مطیع نمودن همسر زکریا ۲. آماده بارداری ساختن همسر زکریا که زنی نازا بوده است. برداشت اول با توجه به بخش بعدی آیه إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ نمی‌تواند برداشت درستی باشد. در مورد برداشت دوم، علامه طباطبایی (۴۴۶/۱۴) نویسنده:



تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم. ۱۴۳

“ظاهر کلام می‌رساند که منظور از اصلاح همسرش این باشد که او را شایسته برای فرزنددار شدن کرده بعد از آن که مدت‌ها این شایستگی را نداشت و زنی عقیم و نازا بود. همچنان که خودش در دعایش به این نکته تصریح کرده و گفته بود: وَ كَأَنَّ امْرَأَتِي عَاقِرًا”

لذا، بر خلاف ترجمه‌های مذکور، از آن جا که آمادگی برای فرزنددار شدن می‌بایست قبل از اعطای فرزند از جانب خداوند صورت گرفته باشد نمی‌توان مقولهٔ تقدم و تأخر را از نظر دور داشت. در این خصوص برگردان زیر قابل توجه است:

**تفسیر کشف الحقایق:** پس دعای زکریا را قبول نمودیم و بعد از آن که وقت زاییدن عیالش منقضی شده بود و جفت او را زاینده گردانیدیم یحیی را به او بخشیدیم.

(۲۵۷/۲)

البته در برگردان این آیه می‌توان تقدم و تأخر زمانی را با استفاده از ساختارهای مناسب دستوری بدون تغییر اجزاء آیه نیز نشان داد. مانند نمونهٔ زیر:

پس دعای او را اجابت نمودیم و یحیی را به او بخشیدیم پس از آن که همسرش را آمادهٔ بارداری نمودیم.

۴. وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ (البقره/۲۲۲)

**مجتبوی:** تو را از حیض می‌پرسند، بگو آن رنج و آزاری است. پس در حال حیض از (آمیزش با) زنان کناره‌گیرید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند.

**خرمشاهی:** و از تو دربارهٔ حیض می‌پرسند، بگو آن مایهٔ رنج است، پس در مدت حیض از زنان کناره‌بگیرید و با آنان نزدیکی نکنید تا پاک شوند.

**مکارم شیرازی:** و از تو دربارهٔ خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: چیز زیان‌بار و آلوده‌ای است، از این رو در حالت قاعدگی، از زنان کناره‌گیری کنید و با آنها نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند.

آیتی: تو را از حیض زنان می‌پرسند. بگو: حیض رنجی است، پس در ایام حیض از زنان دوری گزینید و به آنها نزدیک مشوید تا پاک گردند.

**فولادوند:** از تو درباره عادت ماهانه (زنان) می‌پرسند، بگو: آن رنجی است. پس هنگام عادت ماهانه، از (آمیزش با) زنان کناره گیری کنید، به آنها نزدیک نشوید تا پاک شوند.

**تفسیر ابو الفتوح:** و می‌پرسند تو را از عذر زنان، بگو که آن رنج است. دور شوید از زنان در عذر و پیرامن ایشان مشوید تا پاک شوند. (۲۲۸/۲)

همان گونه که از ترجمه‌های فوق به دست می‌آید، مترجمان «هُوَ أذَى» را به «الْمَحِيضِ» ارجاع داده و فرآیند طبیعی حائض شدن را مایه رنج، زیان بار و آلوده تصور کرده‌اند. حال آن که این فرآیند طبیعی در وجود زنان موجب پاک شدن رحم و آماده‌سازی آن برای حامله شدن و در صورت وجود جنین موجب تغذیه آن، و در زمان به دنیا آمدن نوزاد ماده اصلی را برای ساختن شیر فراهم می‌سازد. امروزه نیز پزشکان بر این باورند که از طریق هورمون درمانی و طولانی‌تر کردن دوران قاعدگی در زنانی که به سن یائسگی رسیده‌اند می‌توان از بیماری پوکی استخوان زودرس در زنان جلوگیری نمود. مؤلفان تفسیر نمونه (۹۱/۲) در تبیین این آیه می‌نویسند: ای پیغمبر از تو درباره حیض و احکام آن سؤال می‌کنند. در پاسخ آن بگو «هو أذی»: «آن چیز زیان‌آور و ناپاکی است.» حقیقت این جمله فلسفه حکم اجتناب از آمیزش جنسی با زنان را در حالت قاعدگی که در جمله بعد آمده است بیان می‌کند، زیرا آمیزش جنسی با زنان در چنین حالتی نفرت‌آور است و زیانهای بسیار به بار می‌آورد که طب امروز نیز آن را اثبات کرده است، از جمله احتمال عقیم شدن مرد و زن، و ایجاد یک محیط مناسب برای پرورش میکرب بیماریهای آمیزشی...»

از دیدگاه آنان این آیه در صدد بیان فلسفه حکمی است که در بخش بعدی آیه آمده است و آن زیان بار بودن آمیزش جنسی در دوران حیض برای مرد و زن است.

تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم.  
۱۴۰

شاید بتوان با استفاده از قاعده تقدم و تأخر و یا نظم زبانی و نظم زمانی آیه فوق را به صورت زیر ترجمه کرد:

از تو درباره حیض و احکام آن می‌پرسند. به آنان بگو از مجامعت با زنان خود در این دوران خودداری کنید، زیرا این عمل زیان بار است.  
بدین ترتیب، زیان بار بودن به عملی نسبت داده می‌شود که نظام این فرآیند طبیعی را مختل می‌سازد.

۵. وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (النحل/۷۸)

آیتی: خدا شما را از بطن مادرانتان بیرون آورد و هیچ نمی‌دانستید. و برایتان چشم و گوش و دل بیافرید شاید سپاس گویند.

**تفسیر ابو الفتوح رازی:** «و جعل لكم السمع...» و شما را گوش و چشم و دل بیافرید که آلت بینایی و شنوایی و دانایی است تا همانا شاکر شوی و شکر این نعمت بگزاری. و «جعل» به معنی خلق است در این آیت، متعدی به یک مفعول. (۷۴/۱۲)  
اگر در این آیه، «جعل» به معنای آفریدن باشد این سؤال پیش می‌آید که آیا انسانها اول به دنیا می‌آیند و سپس صاحب گوش و چشم و قلب می‌شوند؟ در تفسیر آسان (۲۵۳/۹) چنین می‌خوانیم: «این مسأله واضح و روشن است که نوزاد قبل از این که از شکم مادر خارج شود دارای گوش و چشم و قلب می‌باشد. ولی قبل از خروج از آنها استفاده نمی‌کند. اما هنگامی که خارج می‌شود تدریجاً از آنها استفاده می‌کند... و شاید سبب این که در این آیه این سه عضو یاد شده را بعد از مرحله خروج از شکم مادر به بشر خاطر نشان می‌کند همین باشد که نوزاد تدریجاً از آنها بهره‌مند می‌شود.»

اما امروزه دانشمندان با انجام آزمایش‌های متعدد و با استفاده از لوازم پیشرفته دریافته‌اند که حس شنوایی جنین انسان حتی در شکم مادر فعال است. لذا نمی‌توان این نکته را قبول کرد که نوزاد به تدریج از حواس خود بهره‌مند می‌شود. اما شاید بتوان با

استفاده از تقدم و تأخر به برگردان قابل قبولی از این آیه دست یابیم، مانند ترجمه زیر:  
**خرمشاهی:** و خداوند (است) که شما را از شکمهای مادرانتان، در حالی که هیچ  
 نمی‌دانستید، بیرون آورد. و (از پیش) برای شما گوش و چشم و قلب آفرید، باشد که  
 سپاس گزارید.

۶. قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (مریم/۳۰)

**آیتی:** کودک گفت: من بنده خدایم، به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است.  
**فولادوند:** (کودک) گفت: منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده  
 است.

**تفسیر ابو الفتوح:** گفت: من بنده خدایم، آمد به من کتاب و کرد مرا پیغمبری.  
 (۵۵/۱۳)

در این آیه علی رغم نظم زبانی. به نظر می‌رسد که اول کسی را به مقام نبوت  
 مبعوث می‌کنند و بعد به او کتاب آسمانی می‌دهند. این نکته از دید فیض الاسلام دور  
 نمانده است:

**ترجمه فیض الاسلام:** عیسی (به سخن آمده) گفت: من بنده خدایم که او مرا  
 کتاب (انجیل) داده و پیغمبر گردانیده (پس از این مرا به پیغمبری بر می‌انگیزد و کتاب  
 انجیل را برایم می‌فرستد).

در بخشهای قبلی این مقاله در مورد گریز به گذشته و گریز به آینده به عنوان  
 شیوه‌های ادبی یاد کردیم که در آنها نظم زبانی و نظم زمانی بر یکدیگر منطبق نیستند.  
 در قرآن کریم آیاتی که در آنها از این دو صنعت ادبی استفاده شده باشد، کم نیست. اما  
 با توجه به این که معمولاً اگر مترجم دقت لازم را مبذول کند نباید با مشکل خاصی  
 مواجه شود، تنها به ذکر یک نمونه از هر کدام اکتفا می‌کنیم:

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا (التوبة/۴۰)

**آیتی:** اگر یاریش نکنید، آن گاه که کافران بیرونش کردند، خدا یاریش کرد.

**مکارم شیرازی:** اگر او را یاری نکنید، خداوند او را یاری کرد، (و در مشکل‌ترین ساعات او را تنها نگذاشت) آن هنگام که کافران او را از (مکه) بیرون کردند.  
**خرمشاهی:** اگر او (پیامبر) را یاری ندهید، (بدانید که) خداوند او را هنگامی که کافران آواره‌اش ساختند، یاری داد.

در این آیه شریفه، به رویدادی که از لحاظ زمانی بسیار پیشتر از غزوه تبوک اتفاق افتاده است اشاره می‌کند؛ و آن یاری پیامبر و نجات جان او در برابر کفار مکه است. آنچه در برگردان این آیه شریفه مهم است، انتقال معنای تلویحی موجود در آیه است که بحث در مورد آن مجال دیگری را می‌طلبد.

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ (النور/۲۳-۲۵)

در آیات شریفه ۲۴ - ۲۵، به ویژگیهای رویدادی اشاره می‌شود که در قیامت اتفاق می‌افتد. البته فضای کلی آیات بیانگر این است و این تغییر در نظم زمانی آیات برای مترجم و خواننده مشکل ساز نیست.

**کاویان پور:** کسانی که به زنان نجیب و با ایمان که از هر عمل قبیح به دور هستند، تهمت ناروا و نسبت زنا بدهند، در دنیا و آخرت لعنت می‌شوند و عذابی بزرگ در انتظار آنهاست. روزی که زبان و دست و پای آنان به آنچه انجام می‌دادند گواهی دهند. در آن روز خدا افترا گویان را به سزای اعمالشان می‌رساند و آنان متوجه می‌شوند که خدا حقیقتی آشکار است.

**فولادوند:** بی‌گمان، کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر (از همه جا) و با ایمان نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند، و برای آنها عذابی سخت خواهد بود. در روزی که زبان و دستها و پاهایشان، بر ضد آنان برای آنچه انجام می‌دادند، شهادت می‌دهند. آن روز خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می‌دهد و خواهند

دانست که خدا همان حقیقت آشکار است.

همان گونه که در بررسی ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآن مشاهده شد مقوله نظم زبانی، نظم زمانی، و نظم منطقی یا به تعبیر قرآن شناسان تقدم و تاخر تأثیر به سزایی در برگردان قرآن دارد. لذا چنانچه دست اندر کاران ترجمه و تفسیر قرآن بدون در نظر گرفتن این وجه از زبان قرآن تنها با عنایت به نظم زبانی به برگردان متن بعضی از آیات قرآنی پردازند نخواهند توانست پیام وحی را به درستی منتقل سازند. شاید بتوان گفت علاوه بر ساز و کارهایی که برای فهم قرآن لازم است، و از آن جمله آشنایی کامل با زبان قرآن، هر مترجم و مفسر قرآن قبل از دست یازیدن به ترجمه و تفسیر نیاز به آشنایی با ساز و کار زبان مقصد، مباحث ترجمه شناسی و زبان شناسی هم دارد.

### منابع

- آیتی، عبدالمحمد؛ ترجمه قرآن مجید، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۴.
- الهی قمشاهی، مهدی؛ ترجمه القرآن الکریم، تهران، بنیاد نشر قرآن و انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- بلاغی، سید عبدالحجت؛ حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، قم، حکمت، ۱۳۴۵.
- الحسینی الموسوی، محمد کریم؛ کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقایق، تهران، حاج عبدالمجید - صادق نویری، ۱۳۹۶ق.
- خرمشاهی، بهاءالدین؛ ترجمه قرآن کریم، تهران، انتشارات نیلوفر - جامی، ۱۳۷۵.
- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن؛ الاتقان فی علوم القرآن، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، منشورات الشریف الرضی - زاهدی ۱۳۶۹.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- طبرسی، ابو علی؛ تفسیر مجمع البیان، مترجمان محمد مفتاح، رسولی محلاتی و دیگران، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۰ - ۱۳۶۰.
- فولادوند، محمد مهدی؛ ترجمه قرآن مجید، قم، دار القرآن الکریم و دفتر مطالعات تاریخ

تابستان ۸۲ تأثیر نظم زبانی و نظم زمانی در ترجمه‌های قرآن کریم.  
۱۴۹

و معارف اسلامی، ۱۳۷۳.

- فیض الاسلام؛ ترجمه قرآن عظیم، بی‌جا، بی‌تا.

- کاویان پور، احمد؛ ترجمه قرآن مجید، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۷.

- کتاب مقدس، دار السلطنه لندن، ۱۹۱۴م.

- مجتبی، سید جلال الدین؛ ترجمه القرآن الحکیم، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۱.

- محدث دهلوی، شاه ولی الله؛ ترجمه القرآن الحکیم، پیشاور، نورانی کتابخانه.

- مکارم شیرازی، ناصر؛ ترجمه قرآن کریم، قم، دار القرآن کریم و دفتر مطالعات تاریخ و

معارف اسلامی، ۱۳۷۳.

- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۶.

- الموسوی العلوی، شریف المرتضی؛ غرر الفوائد و درر القلائد (امالی المرتضی)، به

کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۹۶۷م.

- نجفی، محمد جواد؛ تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر)، تهران، کتابفروشی اسلامی،

۱۳۶۳.

- النیسابوری، حسین؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (تفسیر ابو الفتوح)، به

کوشش محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس

رضوی، ۱۳۶۶ - ۱۳۷۴.

— Beekman, J. and Callaw, J. (1974) Translating the Word of God. London: Zondervan Publishing House.

— Filatova, E. and Hovy, E.(2001) Assigning Time-Stamps to Event Clauses. In Proceedings of the 2001 ACL Workshop on Temporal And Spatial Information Processing. Toulouse, France pp. 88-95.

— Available at: <http://www.isi.edu/naturallanguage/projects/webclopedia/pups/01timestamping.pdf>

— Smith, S. C. (2003) Modes of Discourse. Cambridge: Cambridge University Press.

— Starren, Marianne. (2003) How Temporal Coherence pushes the Development

of Grammatical Aspect in French L2. In Marges Linguistics-Numero 5. PP. 56-75.

— Available at: <http://www.marges-linguistiques.com>-13250 saint-Chamas (France)

— The Holy Bible, Authorized (King James) Version. (1976). The Gideons International.

\_ Van Dijk, A. T. (1977) Text and Context. New york: Longman.

— Brown, G. and Yule, G. (1983) Discourse Analysis. Cambridge University Press.